

راپورت شش ماهه اداره معارف آذربایجان

به کوشش: هادی هاشمیان

احمد محسنی پنجمین رئیس معارف آذربایجان است. وی قبل از اعزام به آذربایجان مدیرکل وزارت معارف بود. در تیرماه ۱۳۰۵ش به عنوان ریاست تشکیلات معارف آذربایجان منصوب شد و به مدت هفت سال در آذربایجان رئیس معارف بود. در مدت خدمت خود در آذربایجان متجاوز از صد مدرسه تأسیس کرد و برنامه‌های خاصی را به مورد اجراء گذاشت. چنانکه مدرسه صادقیه تبریز را که از مدارس قدیمی بود، بازسازی و برنامه‌ئی را برای طلاب آن مدرسه بنام «نظام‌نامه و پروگرام طلاب مدارس قدیمی (۱۳۰۸ش) نوشت.

در خردادماه ۱۳۱۲ به مقام کفالت وزارت فرهنگ تعیین گردید، ولی دوره کفالت وزارت چندان طول نکشید، بعداً به وزارت کشور منتقل و به فرمانداری کرمانشاه منصوب گشت، سپس به عضویت دیوان عالی محاسبات تعیین و در آخر عمر بازنشسته شد و در سال ۱۳۲۸ش در تهران فوت کرد. محمدعلی صفوت درباره او نوشته است:

«سال ۱۳۰۵ شمسی دکتر احمد وارد تبریز شده، اما با باد و بروت آمد. پس از آن که به کار آغاز کرد، بخشنامه‌ای توسط دفتر فرهنگ به مؤسسات مربوط شهر و ولایت صادر کرد، که از این به بعد عنوان مراسلات اداری را بدین گونه بنویسند: مقام ریاست کل تشکیلات معارف و اوقاف آذربایجان. آقای دکتر شدیدالعمل بود... با بعض نمایندگان دول معظمه، مراد داشت و آن را وسیله و مقدمه موفقیت خود می‌پنداشت، لیکن این تظاهر مفید نشد، بلکه عکس‌العمل بروز داد. خیلی زود در مساجد و منابر زبان انتقاد گشودند... اصرار داشت که همه حتی مستخدمین سرپائی فارسی حرف بزنند. روزی به حسین نام فراش اداره گفت: پسر هنوز ترکی حرف می‌زنی و فارسی یاد نگرفتی. حسین گفت: حضرت رئیس تو دارای هوش و سواد و کمال هستی دو کلمه ترکی یاد نگرفتی، من با این بی‌سوادی و پریشان فکری چگونه فارسی یاد گیرم، (کوه در رد صدایی اختیار افتاده است) شنودگان و رئیس به سخن او خندیدند... بعضی‌ها معتقد بودند که بعضی از حالات و تظاهرات محسنی تصنعی و برای مصلحت کار بوده ولی در عمل ثابت شد که به اقتضای فکر و فطرت است، آنچه می‌کند و می‌گوید، اقتضای طبیعت اوست... به راستی اخلاق آقای دکتر محسنی غیرمتعارف بود. در عین حال اگر او را دیر پیوند و دیرگسل تعبیر و توصیف کنیم، نباید انتقاد کرد، زیرا که آن از اوصاف خردمندان و تجربت دیده‌گان است.

احمدخان محسنی هفت سال تمام سرپرست فرهنگ آذربایجان بود. در زمان ریاست فرهنگ محسنی با دستور وزارت برای دانش‌آموزان کشور لباس متحدالشکل از پارچه وطنی کازرونی معمول گردید، پس از سنجش قیمت پارچه و مزد خیاطی ملاحظه شد که برای بیشتر اولیاء اطفال گران تمام می‌شود، به ملاحظه ارفاق با دستیاری نگارنده و همکاری مدیران مدارس، پارچه وطنی از کارخانه پارچه‌بافی حسین تبریزی به قیمت مناسبتر تهیه گردید.

همچنین دوخت لباسهای دانش‌آموزان با دعوت و حضور جمعی از خیاطان و کلاه‌دوزان به مناقصه گذارده شد، علاوه بر آن به هر یک از فقیرترین شاگردان مدارس ملی و دولتی یک دست لباس مدرسه بطور مجانی داده شد. (محل آن از قرار ذرعی دهشاهی از فروش کارخانه بود).^۱

احمد محسنی در مدت شش ماه ریاست خود در اداره معارف ایالت آذربایجان در تاریخ ۱۵ دی‌ماه ۱۳۰۵ش، فعالیت‌های اداری، تأسیسات و تشکیلات و اقدامات متفرقه خود را به وزارت معارف گزارش داده است. نظر به اهمیت این گزارش مبسوط که در حقیقت بیان سند فرهنگی آذربایجان در آن دوره می‌باشد، اقدام به چاپ آن در مجله وزین پیام بهارستان شد. این متن در سال ۱۳۰۵ش در ۳۴ صفحه در تبریز مطبوعه حقیقت چاپ شده است. برای رعایت امانت، عین تعبیر و القاب وی را راجع به رضاشاه و دیگران حفظ کرده‌ایم که از این بابت عذرخواهی می‌کنیم.

منابع:

حسین، امید، تاریخ فرهنگ آذربایجان، جلد اول تبریز، ۱۳۴۸.

محمدعلی، صفوت، تاریخ فرهنگ آذربایجان، قم، ۱۳۳۹.

محمدعلی، صفوت، داستان و دوستان قم.

راپورت شش ماهه

که از طرف اداره معارف ایالت آذربایجان در تاریخ ۱۵ دی‌ماه ۱۳۰۵ تحت شماره ۴۸۶۱.

به مقام وزارت جلیله معارف تقدیم شده است

سواد راپورت شش‌ماهه که تقدیم وزارت جلیله معارف شده است

شماره ۴۸۶۱ بتاریخ ۱۵ دی‌ماه ۱۳۰۵

مقام منبع وزارت جلیله معارف

اگر چه از روز ورود به تبریز راپورت هر یک از اقدامات اداری خود را در موقعش به عرض رسانده‌ام، معذک لازم دانستم در این موقع که با انجام تشکیلات معارف آذربایجان موفق شده و امور معارفی آن ایالات را سر و صورتی داده‌ام، خلاصه از اقدامات خود و نظریاتی که در ضمن عمل تحصیل نموده‌ام، جمعاً در یک راپورت به عرض برسانم.

و چون اهالی آذربایجان عموماً و نمایندگان محترم آن خصوصاً علاقه کاملی به معارف و در توسعه آن امیدواری زیاد به اقدامات اولیاء دولت دارند؛ مقتضی دانستم که برای استحضار آنها از توجهات مخصوصه که اولیاء دولت محبوب در بسط و تکمیل معارف و مدارس این ایالت داشته و دارند و برای اطلاع آنها بر اقداماتی که تا به حال در این موضوع شده است، عین این راپورت را طبع و نشر نمایم.

خدماتی را که تا کنون نسبت به معارف آذربایجان و اصلاح نواقص اداری آن و تزئید عده و تکمیل مدارس انجام داده‌ام، به چهار قسمت اصلاحات، تأسیسات و تشکیلات، متفرقه، پیشنهادات منقسم نموده و هر یک را علیحده معروض میدارم.

اولاً - اصلاحات

۱- اصلاحات اداری - قبل از آنکه از طهران حرکت نمایم، به مفتش اعزامی از مرکز و به کفیل وقت دستور دادم که صورتهای ذیل را تا موقع ورود بنده

مرتب و حاضر نمایند:

الف - احصائیه جمعی از کلیه مدارس.

ب - صورتی از دیون اداره معارف.

ج - صورتی از اسامی اعضای که مشمول قانون استخدام هستند. و بعلاوه دستور دادم که اعلانی راجع به داوطلبان معلمی و ثبت اسامی آنها منتشر نمایند.

پس از ورود به تبریز، اول چیزی که توجه مرا جلب نمود، عدم ترتیب و انتظام داخلی اداره و هرج و مرج غریبی بود که در کلیه اوضاع آن مشهود می‌شد. کارکنان اداره اغلب به تشبثات غیر اداری معتاد بودند. و چون این ترتیب ناشی از اوضاع سابقه و بی‌اطلاعی آنها از طرز رفتار و ادای وظیفه اداری بود، چندان محل اعتراض و ایراد نبودند. بواسطه این بی‌ترتیبی، امور اداره از جریان افتاده و حتی مهم‌ترین شعب آن (محاسبات و تفتیش) در انجام امور به خود فرومانده بودند، به

^۱ تاریخ فرهنگ آذربایجان ص ۱۲۰-۱۴۲.

طوری که در موقع ورود بنده، هنوز مفاسد حساب‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ از دفتر محاسبات خارج نشده، و شعبه تفتیش نتوانسته بود احصائیه مرتب و جامعی از مدارس و مکاتب تهیه و به مقام وزارت جلیله تقدیم دارد. عایدات اداری ابدأً مرکزیت در محاسبات نداشته و نزد اغلب اعضاء مبلغی از وجوه اداره یافت می‌شد. در تهیه ملزومات اداری اغلب مستقیماً اقدام کرده و بدون مراجعه به محاسبات دستور خرید می‌داده‌اند، مثلاً در تهیه اوراق مطبوعه هر کس هر چه را لازم می‌شمرده به میل و اراده و سلیقه خود به طبع می‌رسانیده است. به واسطه نبودن پرسنل مرتب، هر وقت مراجعه به سابقه یکی از اعضاء لزوم پیدا می‌کرد، می‌بایستی به اطاقها و دفاتر مختلفه رجوع نمود، و بالاخره آنچه می‌خواستند نمی‌یافتند. یکی از نمونه‌های بی‌اطلاعی اغلب، از ترتیبات اداری، اینکه خود آنها تمبر مخصوص برای اداره چاپ کرده به اسنادالصاق می‌نمودند، بدون اینکه غرض سوء و قصد استفاده نامشروعی از این کار داشته باشند. و دیگر آنکه امتیاز و حق انحصار طبع کتب متداوله یا دفاتر مشق را بدون مراجعه به مرکز به اشخاص می‌داده‌اند.

چون اصلاح داخله اداره مقدمه سایر اصلاحات بود، قبل از هر اقدام دیگر، به این امر پرداخته، اولاً حدود و وظایف و مراتب هر یک از اعضاء را معین و ثانیاً کوشش مخصوص در اصلاح شعبه محاسبات و تفتیش نمودم، بطوریکه تا یک‌ماه بعد از ورود بنده، کارهای عقب افتاده، انجام یافته، صورت حساب‌های تهیه نشده به اتمام تهیه و به مالیه ارسال گردید، و اینک هم در آخر هر ماه صورت آن ماه مرتب و بلا تاخیر اداره ایالتی مالیه فرستاده می‌شود. کارهای تفتیش هم به جریان افتاده و بهترین نمونه آن صورت احصائیه مرتب و کاملی است که مفتش اعزامی مرکز برحسب بنده، از مدارس و مکاتب تهیه نموده و به مقام وزارت جلیله متبوعه تقدیم شده است.

برای جلوگیری از اعمال نظریات غیراداری در اموراداری، و طرفداری‌ها یا ضدیت‌های مبنی بر اغراض داخلی، به کلیه مدیران شعب رسماً اخطار نمودم که هر یک در امور مربوطه به شعبه خود مؤاخذ، و هر مینوتی را که حاضر می‌نمایند، شخصاً مسئول صحت آن می‌باشید. این اخطار حسن اثر بخشیده و جریان امور اداره اطمینان بخش و موجب رضایت و خشنودی همه شده است.

نظر به اینکه یک قسمت از تشبثات غیراداری اغلب اعضاء و اجزاء برای حفظ مقام یا ترفیع رتبه و اضافه حقوق بود، و جریان سابق اداری به آنها حالی نکرده بود که برای استخدام قانون مخصوص از مجلس شورای ملی گذشته، و هیچ‌گونه عزل و نصب و ترفیع و تنزیلی بدون اجازه آن قانون ممکن نبوده، نفوذهای شخصی و اختلافات محلی را در برابر آن، تأثیری نیست، این نکته را عملاً و کاملاً به آنها فهماندم که بهترین تشبث برای حفظ مقام یا نیل بر تپه بالاتر و حقوق بیشتر، صحت عمل، جدیت در خدمت، ابراز لیاقت و رعایت مواد مقرر قانون است.

و برای اینکه کاملاً مشمول قانون استخدام باشند، رتبه هر یک را مطابق قانون معین و تحت نمره ۳۵۵۵ به مقام وزارت تقدیم داشتیم. در نتیجه این اقدامات اداره معارف و اوقاف ایالت آذربایجان، صورت اداری به خود گرفته و کلیه بی‌ترتیبی‌های سابق مرتفع شده است. تمام اعضاء و اجزاء با نهایت دلگرمی و امیدواری و از روی صمیمیت و کمال جدیت مشغول خدمت هستند و اغلب آنها همه روزه دو سه ساعت بیش از ساعات اداری کار میکنند. کارکنان معارف ولایات هم بکلی از ترتیبات اداری بی‌خبرند و دائماً پیشنهادهاتی بر خلاف قانون می‌کنند، مثلاً در وسط سال یا ازدیاد حقوق خواسته، و یا تغییر و تبدیل معلمی را مطالبه می‌نمایند. آنها هم البته در نتیجه تذکرات و تعلیماتی که داده میشود به تدریج به اوضاع اداری آشنا خواهند شد.

۲- اصلاح مدارس داخله - برای اطلاع از اوضاع داخله مدارس که مقدمه نواقص آنها بود، در ابتدای ورود شخصاً به بعضی مدارس دولتی و ملی رفته و در نتیجه مشاهدات خود ترتیب صحیحی برای تفتیش کلیه مدارس و اجراء پروگرام وزارت معارف در تمام آنها، در نظر گرفته و معمول داشته‌ام. و چون شعبه تفتیش به قدر کفایت، اجزائی که از ترتیبات داخله مدارس را موقتاً به مساعدت در عملیات تفتیش وادار نموده و برای جریان صحیح دائمی و مرتب آن، در ضمن بودجه قدیمی پیش‌بینی‌هایی شده است که البته به نظر مبارک رسیده. از مدارس انان نیز تفتیش کامل به عمل آمده نواقص آنها مرتفع شده و خواهد شد، و بعلاوه از درجه معلومات مدیرات و معلمات آن مدارس نیز اطلاعات کافی و صحیح تحصیل نموده‌ام و صورت آن اداره مضبوط و موجود است، مدیرات و معلمان هم اغلب از ترتیبات اداری بی‌خبر بوده، مداخلات غیر مشروع در اموراداری به شوهر و کس و کار خود میدهند. با توجه وزارت متبوعه این نقصیه را هم بکلی مرتفع خواهد نمود.

امروزه می‌توان گفت که پروگرام وزارت معارف را تمام مدارس داخلی متدرجاً مجری داشته، در تعلیم قرآن و شرعیات و آداب مذهبی هم مواظبت تامه مینمایند.

۳- مدارس ارامنه و مدارس خارجه - یکی از مشکلات اداری اجراء پروگرام رسمی وزارت معارف است در این مدارس ولی در پیش بردن این مقصود نیز به قدر امکان کوشش نموده و با مدیران مدارس مزبوره، داخل مذاکره شده، قرار گذاردم که در مدارس خارجه، زبان فارسی مطابق پروگرام تدریس شود. مدیران مدارس ارامنه نیز اشتیاق خود را به تعلیم و تعلم زبان فارسی اظهار نموده‌اند. عملیات و نظریات خود را در این باب مکرر به عرض رسانده‌ام و الان هم مشغول اقدامات اساسی هستم. و چنانکه قبلاً عرض کرده‌ام در مدارس ارامنه باید تمام مواد پروگرام معارف (به استثنای شرعیات‌ها) به زبان فارسی تدریس شود و در این صورت البته نقص بودجه مدارس آنها را وزارت متبوعه مرتفع خواهد نمود.

تمام مدیران مدارس خارجه و ارامنه با رضایت و خشنودی وعده داده‌اند که پروگرام رسمی را مطابق با مقتضیات مدرسه خود اجرا نمایند. در مقدمه اجرای همین نظریات بود که از آن مقام محترم تحت نمره ۱۶۷۹ تقاضا شد که برای هر یک از مدارس اجنبی یک دوره کتاب مجانی ارسال فرمایند. موقعی که در رضائیه بودم مدیران مدارس امریکائی آنجا، اظهار میداشتند که حاضریم مطابق پروگرام و دستور وزارت معارف رفتار نمائیم، اما نه کتاب داریم نه معلم.

دولت شوروی روسیه، یکباب مدرسه متوسطه در تبریز تأسیس نموده است، و چون به موجب دستور وزارت معارف میبایستی از طرف دولت اجازه‌نامه رسمی داشته باشند، مدیر مدرسه را احضار و اخطار نمودم که تحصیل اجازه رسمی نماید. او هم پذیرفته و بطوریکه از مرقومه نمره ۳۷۸۷-۴۵۰۴ معلوم میشود، به آن مقام محترم مراجعه و اجازه تحصیل کرده‌اند.

راجع به دو موضوع فوق راپرتهائی به آن وزارت جلیله داده شده که حاکی از اقدامات و مساعی و نظریات و پیشنهادهای مفید این شده است.

۴- کتب تدریسیه - کتبی که در آذربایجان برای مدارس و طبع شده است، اغلب مغلو و طرز انشاء آنها غیر مطبوع، و بعضی نیز مخالف با پروگرام است. برای رفع این نقصیه کمیسیون «هیئت معارف» آن کتابها را به دقت تحت ملاحظه در آورده صحیح و سقیم آنها را از یکدیگر تفکیک مینمایند. و برای اینکه در آتیه کتب مغلو و بد انشاء و مخالف با پروگرام طبع نشود ترتیب صحیحی اتخاذ نموده‌اند که همین چند روزه به عرض خواهد رسید.

ثانیاً - تأسیسات و تشکیلات

۱- هیئت معارف - در ابتدای ورود کمیونی از چند نفر اشخاص محترم و منورالفکر تبریز، به نام (هیئت معارف) دعوت و تأسیس نمودم که جلسات هفتگی مرتب در اداره تشکیل داده و در پیشرفت امور معارف آذربایجان مساعدت فکری بنمایند. کمیون مزبور مداخله در امور داخلی اداره ندارد.

۲- دفتر پرسنل - به طوریکه سابقاً عرض شد، قبل از بنده دفتر پرسنل در این اداره وجود نداشته، سابقه اشخاص در هم و مخلوط و غیر معلوم بود. یکی از منشیهای کابینه را به سمت عهده‌داری پرسنل معین کرده، دفترهای مرتبی برای این شعبه ترتیب داده‌ام که اسامی مستخدمین جزء و کل به چندین قسم در آن دفاتر ثبت می‌شود. مثلاً یکی از آنها به ترتیب حروف تهجی است که هر یک از مستخدمین معارف آذربایجان را بخواهند بفهمند کیست و در کجاست، فوراً پیدا می‌کنند.

۳- مدارس جدیدالتأسیس - روی هم رفته در صفحه آذربایجان، سی‌وهشت باب مدرسه جدید افتتاح یافته، که دو باب آن، دارالمعلمین و دارالمعلمیات تبریز است:

۱- دارالمعلمین و دارالمعلمیات - چون اهمیت ایالت آذربایجان با وسعت معارف و زیادی عدده مدارس ذکور و اناث آن و بالتبجیه احتیاج به عدده زیادی آموزگاران لایق و بصیر؛ تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمیات را ایجاب مینمود، از ابتدای ورود، شروع به تهیه مقدمات این امر کردم. برای محل دارالمعلمین، عمارت معروف به «اندرون ولیعهدی» را در نظر گرفته و در واگذار شدن آن به اداره معارف اقدامات و پیشنهادات لازمه نمودم. تا آنکه به توجهات و مساعی کامله آن وزارت جلیله و حسن مساعدت وزارت جلیله مالیه، عمارت مزبور به اداره معارف آذربایجان تفویض شد.

برای مرمت و تعمیر خرابیهای عمارت مزبور، مطابق بازدید معماران با اطلاع و بصیر، مبلغ هزار و پانصد تومان تخمین زده شده و به آن مقام محترم پیشنهاد نمودم که پرداخت مبلغ مزبور را از وزارت جلیله مالیه تقاضا و اجازه صرف آن را مرمت عمارت دارالمعلمین مرحمت فرمایند. ولی چون اجازه تعمیر به تعویق افتاد و وقت تنگ بود و موقع افتتاح دارالمعلمین میگذشت، منتظر وصول این اجازه نشده، قسمتی از اطاقهای خود اداره را موقتاً به محل دارالمعلمین اختصاص داده و مدرسه را در تاریخ اول مهر ماه افتتاح نمودم. این مدرسه چون از ابتدا با اصول صحیحه تأسیس یافته است، عما قریب بهترین مدارس آذربایجان خواهد شد. عدده شاگردان آن تا کنون به هفتاد و هشت نفر رسیده است، و چون مورد توجه و اقبال عامه واقع گردیده، روزبروز بر عدده متعلمین آن افزوده می‌شود.

و اما دارالمعلمیات، محل آن، عمارت معروف به (خانه آقای اجلال‌الملک) است و مدیریت آن به یک نفر خانم سویسی که از حیث سن و اخلاق و معلومات شایستگی کامل دارد، واگذار شده است. در انتخاب ناظمه و معلمات این مدرسه نهایت دقت به عمل آمده و همه از خانمهای تحصیل کرده با اطلاع و دارای اخلاق حسنه‌اند. این مؤسسه روز به روز توسعه یافته، بهترین مؤسسات خیریه آذربایجان به شمار می‌رود.

این نکته را نیز عرض می‌کند که از طرف کسانی که معارف را تبوی خود، و هر ترقی و اصلاحی را مضر به حال خویش می‌دانند، حملات و دسیسه‌های محرمانه بسیار بر ضد این دو مؤسسه (دارالمعلمین و دارالمعلمیات) به عمل آمده، بنده هم تمام آنها را ندیده و نشنیده گرفته و تاکنون دسیسه و شرارت آن اشخاص را به صرف جدیت در عمل، دفع نموده‌ام.

ب - مدارس ابتدائی مجانی - چون برای تشکیل مدارس جدید، اطلاع از نقاط مهمه ولایات و قصبات و قرا لازم بود، یک نفر منشی از طرف اداره مأمور شد که به اداره مالیه رفته، صورت کلیه نقاط آذربایجان را از روی دفتر آن اداره استنساخ نمود. بعلاوه خود بنده نیز مسافرت دوازده روزه به سمت ارومیه، خوی و ساوجبلاغ نمودم، که راپورت آن را تحت نمره ۲۵۱۶ مشروحاً به عرض رسانیده‌ام.

در نتیجه تحقیقات شخصی و مطالعه کامل در فهرست اداره مالیه و تحقیقات لازمه از اشخاص بصیر با اطلاع، با رعایت اهمیت نقاط از حیث عدّه نفوس، مرکزیت و احتیاج شدید به وجود مدرسه، سی و شش باب مدرسه شش کلاسه و چهار کلاسه ابتدائی، بنام نامی اعلیحضرت شهبازی ارواحنا فدا، در نقاط مختلفه آذربایجان تأسیس و افتتاح نمودم که با دارالمعلمین و دارالمعلمات جمعاً سی و هشت باب می‌شود این مؤسسات جدید که آذربایجان را چندین مرحله در معارف پیش برده و می‌برد، به طوری موجب دلگرمی، و خرسندی اهالی شده است که عموماً سپاسگذاری وزارت متبوعه بوده، بقا و دوام دولت را در تحت توجهات ملوکانه (اعلیحضرت شهبازی) از دل و جان خواستارند.

چهار باب از این مدارس در خود شهر تبریز است که با دارالمعلمین و دارالمعلمات، شش باب می‌شود، و سی و دو باب دیگر در سایر نقاط مهمه آذربایجان، مخصوصاً سرحدات و میان ایل شاهسونند، تأسیس شده است. و با این حال مدعی نیستم که در تمام نقاط لازمه آذربایجان مدرسه باز کرده‌ام. آذربایجان ایالتی بسیار مهم و وسیع است. مردم آن هم تشنه معارف، و خیلی بیش از این مدرسه لازم دارند. اما بنده به اندازهٔ وسائلی که در دست داشتم مدرسه باز کرده‌ام، و ممکن است اهالی نقاطی که از داشتن مدرسه محروم مانده‌اند، شکایت نمایند و از نقطهٔ نظر معارف خواهی و احتیاج به مدرسه حق دارند. اما در نقاطی که مدرسه تأسیس شده است، اگر نمی‌شد، اهالی آنجا حتماً این شکایت را می‌کردند. تاریخ تأسیس مدارس مزبور اول مهر ماه است. و اسامی آنها با رعایت ترتیب حروف تهجی و بودجهٔ هر یک به طور کلی به این راپورت ضمیمه گردید. صورت نمره (۱)

(نمره ۱) صورت تقسیم بودجهٔ پنجاههزار تومان ۱۳۰۵ و مدارس جدیدالتأسیس که از اول مهرماه هذلسنه ۱۳۰۵ پرداخته شده است.

تقسیم بودجهٔ پنجاه هزار تومان هم بخوبی از صورت مزبور معلوم میشود.

۴- تهیه و استخدام معلمین - نظر به اینکه برای مدارس جدیدی‌التأسیس، عدّه زیادی معلم لازم بود، و از طرفی در تبریز سابقاً دارالمعلمین و دارالمعلمات نبوده است که بتوان تصدیقنامه را میزان لیاقت و معلومات آموزگاران و داوطلبان آموزگاری قرار داد، و از طرف دیگر مشخص بودن درجه معلومات و لیاقت آموزگاران که میبایستی تعیین گردند، کمال لزوم را داشت؛ در اوایل ورود به تبریز.

پیش از آنکه به تأسیس مدارس شروع نمائیم، در تعقیب دستوری که قبل از حرکت از تهران داده بودم، اعلانی منتشر نمودم به این مضمون که تمام معلمین و معلمات و داوطلبان تعلیم، اسامی خود را در دفتری که در اداره باز شده است، ثبت نموده و در ایام تعطیل تابستان، طبقهٔ اناث در کلاس‌های روزانه موقتی، و طبقهٔ رجال در کلاس‌های شبانه موقتی که دایر خواهد شد، برای تحصیل با تکمیل تحصیلات خود و استماع دروس پداگوژی حاضر گردند، و در آخر تعطیل تابستان از معلومات خود امتحان بدهند.

نقطه نظر اصلی از این اقدام، بدست آوردن میزان معلومات معلمین موجود و داوطلبان معلمی بود. در ظرف پنج روز بعد از نشر اعلان سابق‌الذکر، قریب سیصد نفر مرد و قریب هفتاد نفر زن، اسامی خود را در دفاتر مربوطه به خود، در اداره به ثبت رسانیدند. و پس از آنکه مطابق معلوماتی که اظهار، با تصدیق‌نامه‌هایی که ابراز می‌داشتند، به طبقات و درجات مختلفه تقسیم شدند، کلاس‌های دارالمعلمین و دارالمعلمات موقتی افتتاح یافت، و برای تدریس در آن کلاسها معلمین فاضل و خوش سابقه معین شدند که مطابق دستور و پروگرامی که از طرف اداره معین شده بود، تدریس نمایند.

مقارن ختم ایام تعطیل تابستان، در آخر ماه شهریور دو مجلس امتحان برای محصلین و محصلات تشکیل یافت. مدیران و معلمات، تحصیلات خود را مطابق پروگرام، قسمتی تا کلاس ششم، و قسمتی تا کلاس چهارم ابتدائی، امتحان دادند. و از بین امتحان‌دهندگان؛ مدیران و معلمات مدارس نسوان انتخاب شدند. و آنهایی که در امتحان نمرات عالی را حائز شده بودند، ترفیع رتبه یافتند.

و پس از آنکه تحت نمره ۲۱۴۲ از وزارت متبوعه استیذان نمود، برای بیست نفر از آنها که مطابق پروگرام امتحان داده بودند، وجه تمبر تصدیقنامه تقدیم و تصدیقنامه رسمی درخواست کرد، ولی تاکنون تصدیق‌نامهها نرسیده است.

محصلین نیز مطابق پروگرام مخصوصی که از طرف اداره تعیین شده بود، امتحان داده و آنهاییکه به اخذ نمره قبول موفق گردیدند با رعایت سابقه، سن و اخلاق، و با رعایت اولی‌الاولی، بدون آنکه خصوصیت با توصیه و شفاعت را در کار دخالت دهم، در اندک مدتی به سمت معلمی مدارس جدیدالتأسیس ولایات تعیین و بسرعت تمام به محل‌های مأموریت خود اعزام نمودم. و به هر کدام به تناسب بعد نقطه مأموریت و درجه معلومات، خرج سفر داده شد.

این اقدام چندین نتیجهٔ خوب داده است. از جمله آنکه درجهٔ معلومات و سابقه تحصیلات کلیهٔ آموزگاران ایالت آذربایجان معین و در اداره مضبوط گردید. دیگر آنکه عدّه از اشخاص بیکار داخل کار شده، سپاسگذار اولیاء دولت، مخصوصاً آن وزارت جلیله می‌باشند. و دیگر آنکه جمع کثیری مایل به تحصیل و تکمیل معلومات فارسی و عربی و سایر مواد تحصیلیه شده و معتقد گردیده‌اند که زحمات آنها به هدر نخواهد رفت.

۵- اثاثیه و کتب- اقداماتی که در تهیه کتب و اثاثیه برای مدارس جدیدالتأسیس شده، از قرار ذیل است:

۱- برای دارالمعلمین و دارالمعلمات و مدارس دیگر، دو قسم نیمکت از روی اصول پداگوژی دستور داده شد. نیمکت‌های مزبور با نظارت کامل اداره مالیه در مدت کمی به ترتیب مناقصه تهیه و به سرعت بین مدارس تبریز و دهات اطراف شهر و بعضی ولایات که ذیلاً عرض می‌شود، تقسیم گردید. برای ولایات عموماً حواله اعتبار تهیه اثاثیه، از مالیه صادر و ارسال شد. برای بعضی از نقاط مثل جلفا، علمدار، گرگر، سر اسکان و باسمنج، که تهیه اثاثیه در خود محل امکان نداشت، از همان اثاثیه که در تبریز ساخته شده بود، به زحمت زیاد بوسیله راه‌آهن و شتر و الاغ فرستاده شد. و برای بعضی نقاط دیگر از قبیل بیله‌سوار، عجب‌شیر، ملک‌کندی، اشنویه و سلدوز دستور دادم که اثاثیه لازمه را در مرکز مربوط به آن نقاط ساخته و بدانجا حمل نمایند.

(ب) چون آقامیرزا ابوالقاسم (یکی از مجتهد زادگان) کوره‌های بسیار خوب فارسی می‌سازند و برای مدارس کره لازم بود، به جهت تشویق مشارالیه، با ایشان قرار گذاردم که پنجاه عدد کوره بزرگ از قرار عددی پنج تومان، در ظرف چهل روز ساخته و به اداره تسلیم نمایند. کوره‌های مزبور در مدت معینه به اداره تسلیم و بین مدارس تقسیم گردید.

(ج) نظر به اینکه علوم فنی و طبیعی را باید عملاً و تجربه‌آخذ کرد، نه نظراً و از روی کتاب، و نظر به اینکه مدرسه متوسطه و دارالمعلمین بدون لابراتوار ناقص است، مبلغ سه هزار تومان برای ابتیاع اسباب لابراتوار فیزیک، شیمی و طبیعیات، به جهت دارالمعلمین و دارالمعلمات و مدارس متوسطه تخصیص داده شده. و چون وصول اسباب مذکوره برای هذلسنه امکان نداشت، و فرصتی هم در دست داشتیم، نماینده مالیه اینطور صلاح دانستند که چند صورت از اسباب مطلوبه به ممالک مختلفه فرستاده و مظنه قیمت آن را تحقیق نموده، و از هر کجا که ارزاتر وارد شود از همانجا بخواهیم. صورت آلات و ادوات لازمه را در ضمن نمره ۳۱۸۹ تقدیم داشته‌ام.

«د» چون کتب کلاسی تألیفی آذربایجان اغلب مغلوپ و بعضی مخالف پروگرام بود، و بعلاوه اولیاء شاگردان مدارس جدیدالتأسیس اکثر پریشان و قادر بر خریداری کتب لازمه برای اطفال خود نبودند، و به جهات سیاسی دیگر که احتیاج به عرض و اظهار آن نیست و برای ترویج زبان رسمی مملکت، هزار دوره کتاب تحصیلی ابتدائی مطابق صورتی که تهیه و تقدیم شده است، از مرکز خواستم. کتب مزبوره از حسن توجهات آن مقام محترم در ۲۲ مهرماه توسط اداره مالیه رسید، و مطابق صورت نمره (۲) که ضمیمه این راپورت است، بین مدارس تقسیم گردیده است. چون بعضی از علمای درجه دوم و سوم، راجع به کتب کلاسی معموله در مدارس، تردیداتی دارند، به هر یک از علمای درجه اول یک دوره از کتب ارسالی را تقدیم نمودم که بدقت ملاحظه فرموده، ببیند که چیزی مخالف اصول مذهب اسلام در آنها نیست. پس از تقسیم و توزیع اثاثیه و کتب، به مفتشین دستور داده‌ام که از روی دقت تفتیش و تحقیق نمایند که آیا هر چیزی مطابق صورتی که موزع کتب و مأمور ملزومات داده‌اند، به محل خود رسیده است یا خیر. هنوز این تفتیش تمام نشده و خیالم این است که از اداره مالیه نیز درخواست کنم که آنها هم بعد از تفتیش ما، تفتیش نمایند.

[ه] تحت نمره ۱۶۷۸ از آن مقام محترم درخواست شده است که چندین دوره نقشه جهان نما و قطعات پنجگانه فارسی برای مدارس جدید تهیه و ارسال فرمایند، و معادل مبلغ ۴۲۵ تومان هم حواله آن توسط خزانه‌داری کل تقدیم شد است. هنوز این نقشه‌ها نرسیده و باید همین روزها برسد.

[نمره ۲] صورت تقسیم کتب مجانی

چون در موقعی که انتظار می‌رفت کتب نرسیده و دیر واصل شد بسیاری از شاگردان قبلاً کتاب تهیه دیده بودند.				
			۸۰	اردبیل
	۵		۱۵۰	ارومی
	-		۴۰	اهر
	۵		۵۵	ارونق وانزاب
	-		۲۰	باسمنج
	۹۹		۹۲	تبریز
	۳		۵۰	جلفا و علمدار و گرگر

خلخال	۲۰	۱۰
خوی	۸۰	۲۰
خیابو	۱۵	-
ساوجبلاغ	۲۰	۵
سراب	۱۰	۱۰
کهنه شهر	۲۰	-
مراغه	۸۰	۵
میلان	۲۰	-
	۲۰	-
هشترود	۲۰	-
متفرقه	۷۷۲	۲۱۲
	۲۲	۸۲

۶- ترتیب بودجه پنجاه هزار تومان اختصاصی هذهالسنه آذربایجان- و از همین بودجه است که دارالمعلمین و دارالمعلمات و سی و شش مدرسه دیگر تأسیس و اثاثیه آنها تهیه گردیده. بودجه مزبور را خود این بنده به تنهایی، به خط خود، با نهایت دقت و ملاحظه احتیاجات و مقتضیات هر محل ترتیب داده و در تاریخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۰۵ ضمن نمره ۲۱۴۱ آن را به وزارت متبوعه تقدیم نموده‌ام.

به طوری که خاطر مبارک مستحضر است، پنجاه هزار تومانی که در هذهالسنه به بودجه معارف آذربایجان اضافه شده، دو قسمت بوده است، یکی بیست و پنج هزار تومان که به اسم معارف تصویب و قدغن شد که بیش از عشر آن به مصارف اداری نرسد، و دیگری بیست و پنج هزار تومان که از محل شهریه‌های قطع شده به مدارس ابتدائی اینجا تخصیص یافت. بنا به مفاد تصویب‌نامه تأسیس مدارس عالی یا متوسطه، فقط از قسمت اول ممکن بود که به اسم مطلق معارف تصویب شده است و در بودجه مدون میبایستی معین شود که بیش از مبلغ مزبور برای غیر مدارس ابتدائی مصرف نشده است. اما چون بیش از عشر قسمت اول به مصرف اداری نرسیده و مبلغ زیادی از آن قسمت هم به مصرف مدارس ابتدائی رسیده است، تفکیک دو قسمت را از یکدیگر لازم ندیدم.

نظر به اینکه مدارس جدیدالتأسیس از اول مهرماه افتتاح یافته و در شش ماه اول سال وجود نداشته است؛ فقط نصف بودجه که تدوین کرده‌ام، به مصرف می‌رسد، و نصف دیگر آن (بودجه شش ماه اول سال) باید به مصرف خرید اثاثیه و غیره برسد. و مبلغی از آن تاکنون به مصرف مزبور رسیده است، مبلغی هم باقی است که لازم است به مصرف تعمیر دارالمعلمین و بناهای مخصوص به مدرسه برسد. و راجع به این موضوع تاکنون تحت چندین نمره استدعا کرده‌ام که اجازه مرحمت فرمایند و هنوز جوابی داده نشده است. در این مقام باز تذکراً تصدیق میدهم که اگر در این موضوع اقدام سریعی نفرمایند، عما قریب سال به آخر رسیده و مبلغ مزبور از طرف وزارت جلیله مالیه بنام صرفه‌جوئی ضبط می‌شود، در صورتیکه قسمت مهمی از احتیاجات معارفی این ایالت مرتفع نگردیده است. عمارت عالی دارالمعلمین هم هر قدر دیرتر تعمیر شود، خرابی آن بیشتر و مرمت آن مستلزم مخارج زیادتر خواهد شد.

علاوه بر مبلغ مذکور، مبلغ دیگری هم که فعلاً اندازه آن معلوم نیست، تا آخر سال صرفه‌جوئی خواهد شد. مثلاً مدارس کهنه‌شهر، سلدوز و اشنویه، به واسطه شرارت اکراد تا اول آبان ماه باز نشده بود، و هنوز مبلغی از بودجه دارالمعلمیات مصرف نشده و مبلغی هم از بودجه دارالمعلمین تا اواسط آذرماه بمصرف نرسیده، مدرسه انات اردبیل هم تا اواخر آذرماه افتتاح نیافته بود، معلمین بعضی نقاط هم تک‌تک دیرتر از اول مهرماه انتخاب شده‌اند. میزان حقیقی مبالغی که از بابت‌های مذکوره صرفه‌جوئی می‌شود، یک ماه به آخر سال مانده معلوم خواهد شد. لهذا مجدداً در این موقع پیشنهاد مینمایم که وزارت متبوعه، به طور کلی از وزارت مالیه اجازه صادر فرمایند که تمام مبالغ جزئی که از پنجاه هزار تومان هذهالسنه صرفه‌جوئی می‌شود، بدون استثناء، با نظارت‌نامه اداره مالیه خرج تعمیر عمارت اندرون ولیعهدی برای دارالمعلمین، و خریداری خانه یا ساختن بنای مخصوص برای مدارس بشود.

۷- مدرسه مختلطه- از جمله سی‌وهشت مدرسه جدیدالتأسیس، مدرسه شش کلاسه ابتدائیت که در شهر رضائیه، برای ملل متنوعه تأسیس نموده‌ام. مدرسه مزبور کاملاً مطابق پروگرام معارف اداره می‌شود، با این تفاوت که بجای درس قرآن و شرعیات، معلمین مذهبی خود آنها اصول مذهبی مخصوص خود را تدریس می‌نمایند. روز شنبه یهودیها و روز یکشنبه مسیحی‌ها آزادند که به مدرسه نیامده تعطیل نمایند، اما شنبه برای مسیحی‌ها و یکشنبه برای یهودیها مدرسه باز است و روزهای جمعه که عید رسمی ملی ما است مدرسه بسته خواهد بود و همچنین در سایر ایام تعطیل رسمی.

۸- تدوین بودجه کل - معارف آذربایجان تا حال بودجه صحیحی نداشته است. و تقریباً تمام عملیات اداره در قسمت عوارض به میل رؤسای وقت، بدون اطلاع وزارتخانه، با هرج و مرج و بی‌تریبی فوق‌العاده اجرا می‌شده است. انعام می‌داده‌اند، کمک خرج می‌داده‌اند پول سوخت می‌داده‌اند، بدون هیچ اصل و ترتیبی، حقوق اشخاص را کم یا زیاد می‌کرده‌اند. علاقه‌مندان به معارف طوری از این بی‌نظمی خسته شده بودند که در موارد متعدده برای اصلاح کمیسیون‌های مختلفی از مردمان منورالفکر صحیح‌العامل، تشکیل داده و مستقیماً در امور اداری مداخله می‌کرده‌اند و بالاخره موفق به اصلاح نشده بودند. عوارض زیاد اینجا به جای ترقی باعث تنزل معارف شده بود و اگر وزارت معارف بیش از این اصلاح اینجا را به تأخیر انداخته بود، به کلی معارف از بین می‌رفت.

برای اینکه رؤسا نتوانند به میل و اراده خود برخلاف قانون دخل و تصرفی در اموراداری بنمایند، از بودجه‌ها و منابع مختلفه، بودجه کل متحدالشکلی تدوین و ضمن نامه ۳۵۴۵ ارسال داشت، و برای اطلاع عموم کلیات آنرا مجدداً ضمیمه این راپورت نموده. (صورت نمره (۳))

۱	اردبیل	-	۹۰	۳	۲۶۵	-	۴۲۶	۳	۷۸۱	۶	۹۳۷۵
۲	ارومیه	-	۹۰	-	۲۴۰	-	۷۹۷	-	۱۱۲۷	-	۱۳۵۲۴
۳	ارزنق	-	۸۵	۲۰۵	۳۸	-	۸۵	۳۰۵	۲۰۸	-	۲۴۹۹
۴	اهر(قراجه داغ)	-	۸۵	۲۰۵	۳۸	-	۸۵	۳۰۵	۲۰۸	-	۲۴۹۹
۵	بناب	-	-	-	۹۳	-	-	-	۹۳	-	۱۱۱۶
۶	تبریز	-	۱۴۳۰	۵	۲۶۴۵	۶	۱۷۴۷	۱	۵۸۲۳	۲	۶۹۸۷۷
۷	خلخال	-	۸۰	-	۶۶	-	-	-	۱۴۶	-	۱۷۵۲
۸	خوی	-	۹۰	۵	۳۴۵	۵	۱۸۹	-	۶۲۵	-	۷۵۰۰
۹	سواجیلاغ	-	۸۵	۵	۸۵	-	۹۲	۵	۲۶۲	-	۳۱۵۰
۱۰	سراب	-	۸۰	۵	۵۴	-	-	۵	۱۳۴	-	۱۶۱۴
۱۱	سلماس	-	-	-	۷۸	-	۸۳	-	۱۶۱	-	۱۹۳۲
۱۲	صایقلعه	-	-	-	۷۳	-	-	-	۷۳	-	۸۷۶

۱۳	مراغه	-	۹۰	۵	۲۲۳	-	۲۲۱	-	۶۴۵	-	۷۷۴۰
۱۴	مرند	-	۸۰	-	۷۵	-	۲۰۰	-	۳۵۵	-	۴۲۶۰
۱۵	میانج	-	۸۵	-	۶۸	-	-	-	۱۵۳	-	۱۸۳۶
۱۶	ماکو	-	-	۲	۲۳	-	-	۲	۲۳	۴	۲۷۸
جمع کل											

بدیهی است برای اشخاصی که به اطاعت قانون و ترتیبات اداری عادت نکرده‌اند، این تشکیلات در بدو امر خیلی گران و دشوار است، مثلاً وقتی که یک نفر نزد بنده آمده و می‌گوید: پارسال مدرسه من کسر داشت، آدم خدمت آقای رئیس، عرض کردم هشت تومان به صندوق حواله کردند، گرفتم. و یا دیگری می‌گوید: پول سوخت خواستم، دادند. ولی از بنده جواب نفی شنیده و ظاهراً دیناری مساعدت نمی‌بیند، البته باطناً مکدر میشود، زیرا نمی‌تواند بفهمد که برای بنده ممکن نیست، دیناری به میل و اراده خود تصرف نموده یا به کسی بدهم. نظایر این قبیل رنجش‌ها و کدورت‌ها زیاد است، و از اهالی محترم آذربایجان فوق‌العاده متشکرم که به کدورت‌های شخصی ترتیب اثر نداده، خدمات نالایق بنده را قدردانی فرموده‌اند، و عنقریب همگی خواهند فهمید که تمام سختگیریهای بنده به نفع و خیر آنها بوده است.

ثالثاً- اقدامات متفرقه

۱- به موجب متحدالمال‌های متعدد، به عموم مدارس اخطار شده است که:

(اولاً) عنوان فرانسه را که روی کاغذ و پاکت‌های رسمی خود چاپ کرده بودند، بردارند.

(ثانیاً) کلاس‌های متوسطه را که با نداشتن معلم و بودجه و بدون اجازه وزارت معارف تأسیس کرده‌اند، تعطیل نمایند.

(ثالثاً) معلمین و مدیران، هفته یک الی سه مرتبه، جلسه تشکیل داده، برای رفع نواقص خود و مدارس خود کنفرانس‌هایی مفید و ادبی به زبان فارسی بدهند.

(رابعاً) به غیر از جلسه مذکوره از تشکیل هر قسم جلسه که به وی سیاست، تخریب و دست‌بندی داشته باشد در اطراف مدارس و معارف خودداری نمایند.

(خامساً) اطفال را به مجالس ختم و تعزیه و به استقبال و بدرقه نبرند.

۲- کتابخانه- در ترتیب کتابخانه دولتی اقدامات کافی به عمل آورده‌ام. برای بنای دائمی آنجا، عمارت آغاباشی را که جنب اندرون ولیعهدی است، در نظر گرفته و تحت

نمره ۲۹۰۴ به آن مقام منبع عرض نموده‌ام.

۳- کتب هدیه دولت فرانسه- از جمله اقداماتی که برای کتابخانه بعمل آمده این است که دولت فرانسه سالی ۱۲۰۰ فرانک به عنوان اعانه مدارس آذربایجان، توسط قنصل خود همه ساله می‌پرداخته است. این وجه مرتباً به اداره معارف تسلیم شده و به مصرف خود رسانیده‌اند، ولی دوسیه مخصوصی برای آن تشکیل نداده و سابقه از آن در اداره موجود نبود. برای اینکه از این وجه استفاده خوبی بشود، با قنصل محترم فرانسه داخل مذاکره شده، قرار گذاریم، از این به بعد معادل مبلغ مزبور همه ساله کتابهای مفید از فرانسه برای کتابخانه معارف، مطابق صورتی که اداره خواهد داد وارد نمایند که هم معلمین و هم سایر مردم از آنها استفاده کنند. برای امسال نیز به طوری که تحت نمره ۲۲۲۷ به عرض رسانیده‌ام، بعضی کتب لازمه صورت داده شد که تهیه نموده بفرستند، و قسمتی را هم فرستاده‌اند. برای این موضوع در اداره دوسیه مخصوصی تشکیل و در کتابخانه هم دستور داده شد که کتب هدیه دولت فرانسه را در قفسه مخصوص علیحده و مرتباً نگاه دارند.

۴- در این شهر چندین سال است که تحت سرپرستی یک عده مردمان خیرخواه، مؤسسه بنام دارالتربیه برقرار است. آن مؤسسه عده پسران و دختران یتیم و فقیر را جمع‌آوری کرده و در مدرسه مخصوص درس داده و صنعت می‌آموزند. غذا و لباس و سایر مخارج آنها را نیز اهالی متحمل می‌شدند و امروزه آن عواید هم مبلغی و مالیه مستقیماً مخارج آن را می‌رساند. با هیئت مدیره آن مؤسسه داخل مذاکره شده، قرار گذارم دختران را به دارالمعلمت بفرستند که در آنجا تربیت یافته و در آتیه معلمه شوند. و پسران را هم عملاً فلاحات یاد بدهند. برای انجام این مقصود از آقای امیر محترم لشکر شمال غرب درخواست نمودم که قطعه از اراضی باغ شمال را برای فلاحات عملی آن اطفال مرحمت نمایند و ایشان هم پذیرفتند. هیئت مدیره دارالتربیه نیز این ترتیب را باکمال خوشحالی قبول نمودند. ولی بعد از ورود مسیو

هسکل، مستشار محترم فلاحت به تبریز، و ملاقاتی که با ایشان نمودم، از فلاحت به ملاحظاتی صرف نظر کردم، و عجلتاً عدّه از دختران و پسران دارالترتیبه در دارالمعلمات و دارالمعلمین مشغول تحصیلند. بعلاوه آقای احمدآقاخان امیر لشکر که حقیقته معارف پرور هستند، با جدیت مخصوص خود به اصلاح و ترقی دارالترتیبه توجه فرموده‌اند.

۵- در بعضی محلّهای کوچک که بیش از یک مدرسه ندارد، اشخاصی بعنوان نماینده معارف وجود داشتند که غالباً مشمول قانون استخدام نبوده و بعضی افتخارات نمایندگی معارف را قبول کرده بودند. چون این موضوع علاوه بر مفاسد دیگر موجبات اختلال امور و زحمت اداره را فراهم آورده بود، سمت نمایندگی بعضی ولایات کوچک ملغا و برای هر یک از آن نقاط یک نفر مدیر مدرسه تعیین شد که امور اداری را هم ضمناً عهده‌دار باشد، به جز ولایات اردبیل، ارومیه، خوی و مراغه که بودجه آنها در ضمن بودجه کل اداری پیشنهاد شده است. نمایندگی باقی آن ولایات کوچک هم، بتدریج ملغی خواهد شد.

۶- مدرسه ساوجبلاغ- چون موضوع این مدرسه مورد توجه یکی از نمایندگان محترم آذربایجان شده بود، در اینجا تأکیداً معروض می‌دارم که یکی از مدارس جدیدالتأسیس مدرسه چهار کلاسه‌ای است که در ساوجبلاغ تأسیس شده است. مدرسه دیگری نیز در آنجا هست موسوم به (سعادت) که در اثناء مسافرت به آنجا رفته، اوضاع آن را فوق‌العاده تأسف‌آور دیدم. با وجود ماهی ۱۴ تومان که بعنوان کرایه محل دریافت می‌دارند، محل مدرسه از لانه حیوانات بدتر بود. و چون به جهاتی اصلاح اساسی معارف آنجا مقدماتی لازم داشت، رفع علت اصلی خرابی را به وقت دیگر گذاردم.

۷- قسمت اوقاف- خرابی این قسمت هم کمتر از معارف نبوده، از تشریح جزئیات آن عجلتاً صرف نظر نموده به سه چهار موضوع وقتی که مستقیماً مربوط به معارف است، مختصر اشاره می‌کنم. کیفیت بعضی آنها و اقداماتی را که درخصوص آنها شده است مفصلاً راپورت داده‌ام. و آن چند موضوع از این قرار است:

الف- زمینی که مرحوم نظام‌الدوله با دو هزار تومان نقد وقف بنای مدرسه نموده است.

ب- قریه دیزج و بنای مدرسه که آقای حاج میرزا آقافرشی کاملاً مسبوقتند.

ج- دهات یا املاکی که مرحوم اقبال السلطنه وقف معارف ماکو نموده است.

د- در تکان تپه هم می‌گویند مرحوم سردار افشار وقتی برای معارف کرده و عجلتاً مشغول تحقیق هستیم.

رابعاً- نظریات و پیشنهادات

۱- احساسات اهالی- بطوریکه در این مدت مشاهده نموده و مکرر به عرض رسانده‌ام، اهالی آذربایجان عموماً مردمان بسیار خوب و ایرانیان وطن‌پرست معارفخواه، و به تکمیل و تزیید عدّه مدارس جدید ذکور و اناث کاملاً علاقه‌مندند. علمای اعلام این محل کثرتاً امثالهم در مساعدت با معارف کوتاهی ندارند. حجج اسلام اینجا مردمانی هستند با نفوذ و متدین و در امور ادارات دولتی کمتر مداخله می‌فرمایند. هیچ فراموش نمیکنم که روزی در محضر یکی از اجلّه علماء، عالم دیگری علل و جهات اعتراض به معارف را شمرده، ایرادات غیرواردی پیدا می‌کرد. بنده هم خود را حاضر کرده بودم که با نهایت جرئت و بدون ملاحظه، حقیقت دفاع نمایم. میزبان محترم در نهایت متانت، با کلامی موجز، معترض را ساکت و بنده را قانع فرمود، و آن این بود که فرمودند: آنچه در قانون و نظامنامه‌ها پروگرام‌ها است، بد نیست، اجرای آن شرط است که مأمورین دولت از حدود قانون تجاوز نمایند.

خلاصه، عموم مردم اینجا، مأمورین صحیح‌العمل را که جز بسط معارف، اصلاح مدارس و اجراء قوانین موضوعه از روی بی‌غرضی و بی‌طرفی مقصودی نداشته باشند، به نظر محبت می‌نگرند. در نقاطی که گردش نموده‌ام اولین درخواست اهالی آن نقاط ایجاد مدرسه بود، و اغلب حاضر بودن خود را برای همه قسم مساعدت مادی و معنوی اظهار می‌داشتند. از توجه خاصی که دولت به کلیه امور آذربایجان مخصوصاً معارف آن معطوف داشته است، احساسات حق‌شناسی آذربایجانیان چندین برابر شده و نظر به آنکه این پیش‌آمد را از اثر مرحوم ملوکانه علیحضرت اقدس شهرباری درباره خود میدانند، از صمیم قلب دعاگوی ذات مبارک شاهانه بوده، نسبت به اولیاء دولت، مخصوص شخص شخیص وزیر متبوع مفخم سپاسگذارند.

به عقیده بنده معارف آذربایجان با وجود این احساسات اهالی، قابل هرگونه بسط و توسعه است. و هرگاه اولیاء دولت بیشتر عطف توجه به این موضوع فرموده و در سرعت انجام پیشنهادهای مأمورین صحیح‌العمل و بصیر خود بیش از پیش مساعدت نمایند، علاوه بر اینکه بر قدردانی و حق‌شناسی اهالی می‌افزایند، کمکه‌های مادی و معنوی برای پیشرفت معارف، نیز از آنها مشاهده خواهند فرمود.

این احساسات اهالی به پیشرفت خدمات این بنده خیلی مساعدت و مرا بر تحمل هرگونه زحمت و مشقت در راه اصلاح معارف آذربایجان تشویق نموده است.

۲- مساعدت ادارات مربوطه دولتی

در قسمت عمده پیشرفت خدمات، خود را مدیون مساعدتهای ادارات دولتی میدانم. ایالت جلیله و حکام جزء، حضرت آقای احمدآقاخان امیر لشکر و فرماندهان محترم جزء قشونی در ولایات کمال تقویت را از مأمورین معارف و نهایت مساعدت را در موفق شدن آنها بر انجام خدمات معارفی نموده‌اند.

از همراهی اداره مالیه آذربایجان و جدیت کارکنان آن در سرعت انجام امور مربوطه به معارف، خیلی امتنان دارم. از باقی مأمورین دولتی هم بی نهایت متشکرم و از تمام آنها در موارد لازمه، غیر از مساعدت چیزی ندید. همگی را به ترقی و پیشرفت معارف علاقه مند یافته ام. و مخصوصاً بار دیگر تشکراً، به عرض می‌رسانم که مکرر از حضرت آقای امیر لشکر شنیده ام که فرموده اند: اول معارف، بعد قشون.

۳- علت اساسی بی تربیتی سابق- به طوری که شخصاً مشاهده نموده ام، علت اساسی بی تربیتی مدارس کمی بودجه نیست، بلکه سوء تشکیلات بزرگترین باعث این امر بوده و مؤثرترین طریقه اصلاح مدارس، اصلاح تشکیلات و گماشتن مأمورین کافی و صحیح العمل است، به خدمت معارف و مدارس. شاهد بر این قضیه، مدارس جدیدالتأسیس است که با وجودی که با بودجه ۷۵ الی ۸۵ تومان تأسیس شده، از تمام مدارس سابق، که بعضی از آنها ۱۵۰ تومان بودجه دارد، به مراتب بهتر است. بنابراین، مقتضی است در تسریع انجام پیشنهادهای بنده راجع به تشکیلات، که فقط از نقطه نظر خدمت و توسعه معارف و مدارس است، ادارات مربوطه امر اکید بفرمایند.

۴- کلاس اکابر- در تمام آذربایجان مخصوصاً بلاد تبریز، ارومی، اردبیل، خوی، مراغه، ساوجبلاغ، دهخوارقان، مرند و قراجه داغ تأسیس کلاس اکابر؛ اهمیت و لزوم زیاد دارد.

۵- لزوم اعتبار برای تعمیرات- ابنیه مدارس در همه جا خراب است، و سریعترین راه اصلاح و مرمت آنها این است که خود اداره معارف، اعتباری برای مرمت و تعمیر آنها داشته باشد تا در موقع لزوم بتواند به زودی خرابی‌ها را تعمیر نماید. و اگر غیر از این باشد، ممکن است خرابی پنج تومان به پنجاه بلکه به پانصد منتهی شده و هنوز اجازه پرداخت مخارج تعمیر از مرکز نرسیده باشد. نظایر این امر، در اداره زیاد است که متجاوز از سی چهل مراسله رد و بدل شده و بالاخره به جائی منتهی نگردیده است.

۶- بنای مخصوص مدارس- تجربه ثابت نموده است که هر وجهی که اداره معارف برای کرایه به محل مدارس میدهد، وجهی است که بی نتیجه خرج شده، به هدر رفته است. بنای مدارس باید با خود اداره معارف باشد که محلهای مخصوص مطابق اصول علمی برای مدارس ایجاد نماید. توجه آن وزیر محترم معارف خواه را به این نکته مهم جلب نموده و امیدوارم تصمیمی راجع به این موضوع اساسی اتخاذ فرمایند. ضمن راپرت نمره ۲۱۴۷ هم این مطلب را شرح داده ام.

۷- وضع مدارس ملی- این مدارس محل ارتزاق مدیران آنها است. و با نداشتن عایدات کافی؛ ناچار از صرفه جوئی در کرایه محل و حقوق معلمین و مستخدمین می‌باشند، و غالباً اطفال معصوم را در اطاق‌های تاریک مرطوب جا داده؛ پایه و مایه صحت آنها را بکلی از میان می‌برند. اغلب معلمین آنها با حقوق سه تومان الی ۱۵ قران و حتی ۸ قران استخدام می‌شوند، و معلوم است اینگونه معلمین تا چه حد لیاقت داشته و تا چه اندازه در تربیت فرزندان آتیه ملکت مؤثرند. بواسطه این ترتیبات، اوضاع اغلب مدارس ملی طوری اسف‌آور به نظر می‌رسد که نبودن آنها بهتر از بودن آنها است. مگر اینکه توجه مخصوص از طرف آن وزارت جلیله در اصلاح آنها شده، و به هر ترتیب مقتضی دانند در صدد رفع مضار مترتبه بر اینگونه مدارس برآیند.

به عقیده بنده، بهترین راه اصلاح مدارس ملی این است که وزارت جلیله معارف، مبلغی اعتبار معین فرموده، به این اداره اجازه دهد که مدیران و معلمین را امتحان نماید. به هر کدام لایق باشند در مرکز ایالت یا در ولایات جزء، خدمتی رجوع کند، و یا آنکه اعانه کافی به آنها بدهد که مدرسه خود را اصلاح نموده و ادامه دهند. و هر کدام لیاقت مدیری و معلمی نداشته باشند، وسائل تکمیل او را در کلاسهای اکابر، یا بطور مستمع آزاد در دارالمعلمین فراهم کند. به مدارس قدیمه طلبه نشین هم اگر مطابق نظامنامه مخصوصی که مخالف با نظریات واقف نباشد، بذل توجهی بشود، بسیار به موقع و به ترتیب و ایجاد معلمین لایق کمک بزرگی خواهد بود.

۸- پیشنهاداتی که در بودجه تقدیم کرده ام و چند فقره پیشنهاد که در اینجا بر پیشنهادهای سابق می‌افزایم، به قرار ذیل است:

الف- کسر بودجه مدرسه ماکو، ماهی ۵۰۰ قران.

ب- اعتبار حقوق معلم برای سال آینده دارالمعلمین، ماهی ۸۰۰ قران.

ج- اعتبار حقوق یکنفر سرایدار دارالمعلمین، ماهی ۸۰ قران.

د- تلفون برای دارالمعلمین. ماهی، ۲۰ قران.

ه- اعتبار تأسیس یک باب مدرسه شش کلاسه

انات دیگر در تبریز، ماهی ۱۲۰۰ قران.

و- اعتبار تأسیس یک باب مدرسه شش کلاسه.

ذکور دیگر در تبریز، ماهی ۱۲۰۰ قران.

این بود خلاصه اقدامات و نظریات بنده. و امیدوارم در آتیه هم بتوانم هر ماه بطوری که میل وزارت متبوعه باشد، راپورت‌های منظم تقدیم نمایم. ممکن است بعضی ایراد بگیرند که چرا از بودجه هذلسنه، رفع نواقص مدارس سابق را ننموده ام؟ جواب این اعتراض مقدر این است که قبل از تدوین بودجه جدید، بیش از

دو ماه فرصت نداشتیم، و در آن مدت ممکن نبود، اطلاعات نامه از کلیه اوضاع مدارس سابق پیدا کنم. و الان هم که شش ماه می‌گذرد، شاید تازه اطلاعات کافیه، بدست آورده باشم.

احمد محسنی: رئیس تشکیلات معارف و اوقاف آذربایجان.

تبریز مطبوعه «حقیقت»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی